

## تحلیل کیفی تئوری‌های مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی

سید مهدی الوانی<sup>1</sup>

رضا واعظی<sup>2</sup>

هادی خان محمدی<sup>3</sup>

### چکیده

علم مدیریت دولتی را در یک گونه شناسی متعارف و بر اساس سیر تطور آن به چهار شبه پارادایم: سیستم تاراج، مدیریت دولتی سنتی، مدیریت دولتی نوین و خدمات عمومی نوین طبقه بندی می کنند. اما اندیشمندان در دهه اخیر به شبه پارادایم جدید دیگری به نام مشارکت شهروندی در امتداد پارادایم خدمات عمومی نوین اشاره داشته اند. به عبارت دیگر حکمرانی شهروندی مدل دیگری از دولت است که منعکس کننده ارزش های شبه پارادایم خدمات عمومی نوین است. با این وجود مفهوم شهروندان و مشارکت آنها در دولت در دو شبه پارادایم اخیر، قوت و انسجام مفهومی دقیقی به خود گرفت به طوری که در ۵۰ سال اخیر تعاریف و الگوهای مختلفی از مشارکت تدوین شده اند. اما به نظر می رسد جریان مشارکت شهروندی در شبه پارادایم خدمات عمومی نوین شروع مفهومی خود را آغاز نموده و در شبه پارادایم حکمرانی شهروندی به بلوغ مفهومی و تئوریک خود رسیده است. در نوشتار حاضر مشارکت شهروندی در سه محور مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. محور اول به مبانی آن یعنی رویکردهای شبه پارادایم های مدیریت دولتی و موضوع مشارکت شهروندان و عقلانیت های آن پرداخته، در محور دوم به تعاریف موجود مشارکت شهروندی به صورت شبکه مفاهیمی اشاره نموده و نهایتاً در محور سوم به مقایسه مدل های مشارکت و شناخت منطق و معیار گونه شناسی آنها اشاره نموده است.

**کلید واژه ها:** مشارکت؛ شهروندان؛ مشارکت عمومی؛ مشارکت شهروندی؛ حکمرانی شهروندی

<sup>1</sup> استاد، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران.

<sup>2</sup> دانشیار، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران.

<sup>3</sup> دانشجو دکتری، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران، h.khanmohammadi110@gmail.com  
۰۹۱۲۷۹۷۱۳۱۰

## مقدمه

علم مدیریت دولتی را در یک گونه شناسی متعارف و بر اساس سیر تطور آن به چهار شبه پارادایم سیستم تاراج، مدیریت دولتی سنتی<sup>۱</sup>، مدیریت دولتی نوین<sup>۲</sup> و خدمات عمومی نوین<sup>۳</sup> طبقه بندی می کنند. پیدایش هریک از این شبه پارادایم ها از بستر یک رویکرد انتقادی به پارادایم های قبلی ایجاد گردیده است (وارث، ۱۳۸۰). در دهه های اخیر نیز شبه پارادایم دیگری در طول شبه پارادایم خدمات عمومی نوین به نام حکمرانی شهروندی<sup>۴</sup> در مستندات علمی مفهوم سازی شده است. به نظر می رسد جریان مشارکت شهروندی در شبه پارادایم خدمات عمومی نوین شروع مفهومی خود را آغاز نموده و در شبه پارادایم حکمرانی شهروندی به بلوغ مفهومی و تثویک خود رسیده است. در نوشتار حاضر مشارکت شهروندی در سه محور مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. محور اول به بررسی مبانی آن یعنی رویکردهای شبه پارادایم های مدیریت دولتی به موضوع مشارکت شهروندان و عقلانیت های آن خواهیم پرداخت. در محور دوم تعاریف موجود مشارکت شهروندی به چه مفاهیمی اشاره داشته اند و در نهایت در محور سوم می خواهیم مدل های مشارکت شهروندی را با یکدیگر مقایسه کرده و منطق گونه شناسی آنها را استخراج نماییم. بدین منظور سوالات این نوشتار شامل موارد زیر می باشد:

- ۱- تعاملات شهروندان و دولتمردان در هریک از شبه پارادایم های مدیریت دولتی چگونه است و از کدام عقلانیت تبعیت می کنند؟
- ۲- شبکه مفاهیم موضوع مشارکت شهروندی در تعاریف چه الگویی دارد؟
- ۳- تحلیل و مقایسه تطبیقی مدل های مشارکت شهروندی چیست؟

## پیشینه تحقیق

## الگوی کهن امور اداره دولتی ( نظام غنائم جنگی)

نظام های اداری سنتی، به جای اینکه غیر شخصی باشند، یعنی بر قانونی بودن و وفادار بودن به سازمان و حکومت استوار باشند به فردی خاص مانند پادشاه یا وزیر وفادار بودند. اقدامات رایج در این نظام ها، اغلب با فساد و سوء استفاده از اداره برای عواید شخصی همراه بود. چنین سیستمی فاقد کارآیی و اثربخشی بود. شهروندان هنگامی که مشاهده می کردند اداره متعلق به دولت عملاً به صورت یک کسب و کار خصوصی درآمده که در آن تصمیمات دولتی، پول و آرا آنها کالای قابل مذاکره محسوب می شوند، نمی دانستند دارای چه جایگاهی در داخل سیستم اند (آون هیوز، ۱۳۷۷).

مدیریت دولتی سنتی<sup>۴</sup>

<sup>1</sup> traditional public administration

<sup>2</sup> new public management

<sup>3</sup> new public service

<sup>4</sup> traditional public administration

در این شبه پارادایم برنامه ها و تحویل خدمات به صورت بالا به پایین و مکانیزم های سلسله مراتبی غیر منعطف انجام می گیرد. این موارد سیستم را بسته میکند و هیچ محرک و تشویقی برای مشارکت شهروندان ندارد و این نگرش را القا می کند که شهروندان و سیاستمداران می بایست به مدیران حرفه ای اعتماد داشته باشند تا اینکه خدمات دولتی به صورت اثربخشی ارائه گردند.

"شبه پارادایم مدیریت دولتی سنتی، با توجه به ماهیت طراحی و ساختارش، شهروندان را تشویق می کند که نقش ارباب رجوع<sup>1</sup> را در تعاملات دولتی بپذیرند. در این نگاه، ارباب رجوع یک رابطه پسینی با دولت دارند و هر یک از آنها وابسته به نظام بروکراتیک هستند. بنابراین در این شبه پارادایم شهروندان بر این باورند که مدیران حرفه ای میدانند که بهترین علایق آنها چیست و بر آنها اعتماد می کنند و می دانند که حقوق آنها را پیگیری می کنند" ( کالاهان<sup>2</sup>، ۲۰۰۶: ۱۹۷).

### مدیریت دولتی نوین<sup>3</sup>

"در مدیریت دولتی نوین دولت بدنبال تطبیق و استفاده از تکنیک های بخش خصوصی است. اصول متعارف این پارادایم عبارتند از بازار محوری<sup>4</sup>، تمرکز بر مشتری<sup>5</sup>، مناقصه رقابتی<sup>6</sup> می باشد. این شبه پارادایم شهروندان را به چشم مشتریانی نگاه می کند که تنها هنگامی با دولت تعامل دارند که نیازی داشته باشند. مشتری در این شبه پارادایم، رابطه یک طرفه را با دولت تقویت می کند و تنها سوالشان این است که دولت چه کاری می تواند برای آنها انجام دهد نه اینکه آنها چه کاری برای دولت می توانند انجام بدهند. طبیعتاً در این پارادایم شهروندان تنها به صورت شخصی فکر می کنند و نه اینکه برای جامعه فکر کنند و به عبارت دیگر شهروندان در اینجا نیز رویکردی پسینی و منقطع را دنبال می کنند" ( کالاهان، ۲۰۰۶: ۱۹۸).

### خدمات عمومی نوین<sup>7</sup>

خدمات عمومی نوین نیز یک شبه پارادایم جدید دیگری نسبت به مدیریت دولتی است که در انتقاد به مدیریت دولتی نوین توسط دنهاوت (۲۰۰۰) مطرح گردید. خدمات عمومی نوین بر این پیش فرض است که حکمرانی بروی شهروندان دموکراتیک ساخته می شود و مدیران دولتی بدنبال خدمت رسانی و توانمندسازی شهروندان هستند.

در این مدل خدمتگزاران عمومی بجای نقش خبرگان و کارافرینان، نقش شریک و تسهیل گری را بازی می کنند. در این نقش آنها به شهروندان کمک می کنند که نیازهایشان را دقیق شناسایی کنند و روابطی مبتنی بر اعتماد با و میان یکدیگر ایجاد نمایند و به بیشتر به ارزش های جامعه و علایق و سلاقی شهروندان توجه دارند. لذا تاکید این شبه پارادایم بر ایجاد نهادهای عمومی پاسخگو و امانتدار<sup>8</sup> است. در خدمات عمومی نوین دولت نقش یاور و تسهیل کننده برای شهروندان در تدوین خط مشی و راه حل ها دارد. همچنین دولت

<sup>1</sup> client

<sup>2</sup> Callahan

<sup>3</sup> new public management

<sup>4</sup> market orientaion

<sup>5</sup> customer focus

<sup>6</sup> competitive bidding

<sup>7</sup> new public service

<sup>8</sup> integrity

باید شرایطی را ایجاد کند که به طوری شهروندان و خدمتگزاران عمومی بتوانند با یکدیگر در خصوص موضوعات مهم همکاری و مشارکت داشته باشند ( کالاهان، ۲۰۰۶ ).

## حکمرانی شهروندی<sup>۱</sup>

"مطابق نظر بسیاری از صاحب‌نظران مدیریت دولتی، کلید و رمز اصلی در مدیریت دولتی در سالهای اخیر حکمرانی<sup>۲</sup> است. در سال ۱۹۹۹ جرج فردریسکون یکی از صاحب‌نظران رشته مدیریت دولتی بیان می‌کند که مدیریت دولتی اخیراً حرکت و جنبشی به سمت تئوری‌های مشارکت و شبکه‌سازی و حکمرانی و نهاد سازی<sup>۳</sup> در پاسخ به غیر موثر بودن مدیریت دولتی کشورها می‌باشد. در حقیقت حکمرانی بدنبال تسهیم قدرت در تصمیم‌گیری، تشویق و ترغیب استقلال و خودحاکمیتی شهروندان است و فرآیندی برای توسعه و ایجاد منفعت عامه<sup>۳</sup> از طریق مشارکت شهروندی ایجاد می‌کند. حکمرانی شهروندان را توانمند می‌سازد که در تصمیم‌گیری موضوعاتی که مستقیم بروی آنها موثر است، مشارکت فعال داشته باشند. لذا حکمرانی شهروندی مدل دیگری از دولت است که منعکس‌کننده ارزش‌های شبه پارادایم خدمات عمومی نوین است.

ریچارد باکس<sup>۴</sup>، پروفیسور مدیریت دولتی در دانشگاه کلوریدا و مولف کتاب «حکمرانی شهروندی: جامعه آمریکایی رهبر» (پیشرو) در قرن ۲۱<sup>۴</sup> نیز بیان می‌کند (باکس، ۱۹۸۸) که علاقه و واگذاری خدمات دولتی به سطح محلی در حکمرانی شهروندی در طول چندین سال افزایش پیدا کرده است. در این سطح مردم به صورت واقعی حکمرانی را تجربه و احساس می‌کنند. سطح محلی جایی است که مردم می‌توانند خدمات و شرایط متفاوتی ایجاد نمایند که روی آنها و همسایگان‌شان موثر باشد. او بیان می‌کند که این علاقه زیاد جامعه در حکمرانی ناشی از در سه ارزش در گذشته دارد: تمایل برای کنترل محلی، تمایل برای دولت کوچک و پاسخگو و تمایل مدیران حرفه‌ای که به عنوان مشاور نه کنترل‌کننده، خدمات رسانی نمایند.

این تمایلات مورد اشاره باکس کمک می‌کند تا بسیاری از افراد از مدل‌های بروکراتیک و طاقت فرسا ارائه خدمات به مدل‌های کوچک و پاسخگوتر حکمرانی رو بیاروند. این انتقال و گذر از مدل بروکراتیک و طاقت فرسا به مدل‌های کوچک و پاسخگو به موازات تغییراتی را در وظایف دولتی یعنی گذر از نقش کنترل‌کننده سازمانهای دولتی به نقش مشاور و کمک‌کننده شهروندان ایجاد می‌کند.

این حرکت از حرفه‌گرایی به سمت حکمرانی شهروندی نیازمند این است که مدیران دولتی در خصوص روشی که تصمیم‌گیری می‌نمایند، در خصوص روشی که مردم را مدیریت می‌کنند، در خصوص روشی که برنامه‌ها را اجرا می‌کنند، در خصوص روشی که با ذینفعان تعامل می‌کنند، بازناندیشی نمایند. اگر شبه پارادایم حکمرانی شهروندی (خوب) فهمیده شود، سبب می‌شود که مدیران به بدنبال تعادل درستی بین دسترسی شهروندان و مشارکت آنها در فرآیند حکمرانی با سطح قابل قبولی از عقلانیت در خط‌مشی‌گذاری اجرا باشند. این بدان معنا است که مدیران دولتی می‌بایست با نخبگان که با مشارکت فعال شهروندان مخالف هستند و این امر را تهدیدی برای منافع خودشان تلقی می‌کنند، به ستیز و مقابله بپردازند" ( کالاهان، ۲۰۰۶: ۲۰۰ ).

<sup>1</sup> citizen governance

<sup>2</sup> governance

<sup>3</sup> common good

<sup>4</sup> Richard box

## عقلانیت های مشارکت شهروندی

به طور کلی در خصوص مشارکت شهروندان در مدیریت دولتی سه مبنا ایدئولوژیکی یا عقلانیت حاکم است که به طور اختصار در جدول زیر آورده شده است (هلمز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). اما در ادامه باید تبیین نمود که هریک از عقلانیتهای در بستر کدام شبه پارادایم معنا و مفهوم دارند.

### جدول ۱. مبناهای ایدئولوژیکی مشارکت شهروندی

عقلانیت <sup>۳</sup>	مبنا ایدئولوژیکی <sup>۲</sup>
مشارکت عمومی حق هر شهروندی و ضرورتی برای یک حکومت دموکراتیک سالم است.	هنجاری <sup>۴</sup> (حاکمیت عمومی برابری سیاسی)
مشارکت عمومی، خط مشی و تدوین پروژه ها و اجرای آن را از طریق کاهش تعارضات و همچنین بهبود اعتماد به دولت، آژانس ها و پیشرفت پروژه ها و خط مشی ها را تسهیل می بخشد.	ابزاری <sup>۵</sup>
مشارکت شهروندی تصمیمات ممتاز هدفمند را از طریق دخیل ساختن اطلاعات، ایده ها و گزینه های مختلف هدایت می کند.	جوهری <sup>۶</sup>

همانطور که ملاحظه می کنید، مبنا هنجاری اشاره به این دارد که مشارکت جز حق حقوق هر شهروندی است که باید دولت این حق را بجا بیاورد. اما دو مبنا دیگر از جنبه دیگری به مشارکت نگریسته اند. مبنا ابزاری نیز اشاره به این امر دارد که مشارکت تنها ابزاری در اختیار دولت است که اجرای خط مشی ها را به صورت بهینه انجام دهد. همچنین مبنا محتوایی نیز یک نگاه ابزاری به مشارکت دارد با این تفاوت که مشارکت ابزار خوبی برای تدوین خط مشی ها از طریق کسب نظرات و ایده های مختلف می باشد. در مجموع می توان گفت که مبنا هنجاری یک رویکرد حق محورانه به مشارکت دارد و آن را هدف می داند اما دو مبنا دیگر آن را وسیله ای در فرآیند خط مشی محسوب می کنند.

## تحلیل تعامل شبه پارادایم ها با عقلانیت های مشارکت

در ادامه این سوال مطرح می شود که رابطه تعاملی عقلانیتهای و شبه پارادایم ها چگونه است؟ به عبارت دیگر سوال این است که هریک از شبه پارادایم ها کدامین عقلانیت را تأیید می کنند؟ در پاسخ به این سوال می توان اینچنین تبیین نمود که الگوی کوهن طبق مطالب گفته شده قائل به سیاست زدگی و حاکمیت ناشایسته سالاری و فساد در اداره جامعه بوده و هرگونه مشارکت را نفی می کند. لذا می توان گفت هر سه نوع عقلانیت را نفی می کند. مدیریت دولتی سنتی نیز سطوح مشارکت شهروندان را به رای گیری

<sup>1</sup> Holmes

<sup>2</sup> ideological basis

<sup>3</sup> substansive rationale

<sup>4</sup> normative rationality

<sup>5</sup> instrumental rationality

<sup>6</sup> substansive basis

نمایندگان تقلیل می دهد و معتقد است که مردم می بایست به نمایندگان خود به عنوان خبره اعتماد داشته و کلیه فرآیند خط مشی گذاری را بدان واگذار می کنند. لذا این شبهه پارادایم عقلانیت هنجاری را محدود به رای گیری جایز می داند و به سایر عقلانیت ها توجهی ندارد. مدیریت دولتی نوین نیز که اصول بخش خصوصی در اداره بخش عمومی دخیل می سازد و شهروندان را به مثابه مشتری تلقی می کند، به نظر می رسد عقلانیت هنجاری را همانند شبهه پارادایم قبلی به صورت محدود تأیید می کند و آن دسته از شهروندان که مشتری مستقیم دولت هستند را مخاطب اصلی قرار می دهد و سایر عقلانیتها نیز به همین صورت تأکید دارد. در نهایت شبهه پارادایم خدمات عمومی نوین و حکمرانی شهروندی نیز که اصولاً دولتمردان را خدمتگذار شهروندان و به نقش پررنگ شهروندان در مشارکت عمومی و مالکیت آنها تأکید دارند، هر سه پارادایم را مورد مدنظر و تأیید کامل قرار می دهند.

### بررسی روابط بین دولت و شهروندان در تعامل با شبهه پارادایمها و عقلانیتها

کالاهاان بیان می کند که نقشها، روابط و الگوهای رفتاری بین شهروندان و دولتمردان در طی شبهه پارادایم های مدیریت دولتی تغییرات متمایزی داشته است که به صورت حالات زیر می باشد (کالاهاان، ۲۰۰۶):

- **شهروند به عنوان موضوع/تابع - دولتمردان به عنوان حاکم/قانونگذار<sup>۱</sup>**  
این مدل نشان می دهد که سیستم اداری و دولتی حکمرانی کرده و دستوراتی را می دهد و در مقابل شهروندان اطاعت می کنند. به عبارتی دیگر دولت کنترل امور و قدرت مطلق بر مردم را در دست دارند.
- **شهروند به عنوان رای دهنده - دولتمردان به عنوان مجری<sup>۲</sup>**  
این مدل نمایانگر دموکراسی نمایندگی است. شهروندان به نماینده ای که احساس می کنند منافعشان را تأمین می کند اعتماد کرده و به او رای میدهند و دولتمردان نیز به عنوان نمایندگان منتخب، پاسخگو هستند.
- **شهروند به عنوان ارباب رجوع - دولتمردان به عنوان خبره<sup>۳</sup>**  
این مدل ارزش های مدیریت دولتی سنتی را نشان می دهد که در آنجا دولتمردان به عنوان خبره به تصمیم گیری عقلایی مبتنی بر مصلحت بی طرفانه<sup>۴</sup> می پردازند. در این مدل بدلیل اینکه تصور می شود شهروندان از کمبود دانش و خبرگی برای شرکت در تصمیم گیری برخوردارند، لذا به طور کامل، اقدامات و تصمیمات خبرگان دولتی را می پذیرند.
- **شهروند به عنوان مشتری - دولتمردان به عنوان کارآفرین/ حرفه ای<sup>۵</sup>**  
این مدل ارزش های مدیریت دولتی نوین را نشان می دهد به طوری که دولت مردان خودشان را با بخش خصوصی و رویکرد مشتری تطبیق می دهند. در اینجا تأکید بر پاسخگویی دولت و خدمات مشتری است و مشتریان نیز به عنوان یک مشتری یک روابط پسینی و خودخدمتی با دولت دارند. (کالاهاان، ۲۰۰۶: ۱۸۶)
- **شهروند به عنوان شهروند - دولتمردان به عنوان خدمتگذار عمومی<sup>۶</sup>**

<sup>1</sup> citizen as subject- administrator as ruler

<sup>2</sup> citizen as voter- administrator as implementer

<sup>3</sup> citizen as client- administrator as expert

<sup>4</sup> neutral competence

<sup>5</sup> citizen as customer- administrator as professional/entrepreneur

<sup>6</sup> citizen as citizen- administrator as public servant

فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی  
سال دوم- شماره اول-فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی (۱ - ۲۳)

این مدل نیز ارزشهای خدمات عمومی نوین را نشان می دهد به طوری که دولتمردان نقش تسهیل گر داشته و شهروندان را توانمند می سازند تا مدیریت سازمانهای دولتی را برعهده داشته و خط مشی عمومی را به اجرا در بیاورند.

**- شهروند به عنوان مالک/ کارفرما- دولتمردان به عنوان کارمند<sup>1</sup>**

مدل مالکیت جایی است که شهروندان کنترل امور را در دست دارند و دولتمردان نسبت به تصمیم مالکین موافق و وفادار باشند. در این مدل شهروندان به عنوان مالک این تعهد را دارند که نقش فعالی در تحویل و ارائه خدمات دولتی داشته باشند. روابط نیز میتواند تعارضاتی داشته باشد بدلیل اینکه دولتمردان باید هر آنچه که شهروندان می خواهند را بپذیرند (کالاها، ۲۰۰۶).

در ادامه باید دید که این روابط در تعامل با شبه پارادایم ها و عقلانیتهای به چه صورت می باشند. جدول زیر این تعاملات را نشان می

دهد:

**جدول ۲. تعاملات شهروندان - دولتمردان در بستر شبه پارادایم ها و عقلانیت**

عقلانیت ها	شبه پارادایم	نقش دولتمردان	نقش شهروند	رویکرد دولت	پویایی <sup>2</sup>	روش تعامل
عدم عقلانیت شهروندی	الگوی کوهن	حاکم / قانونگذار	تابع	زورگویی	اقتدار و قدرت	کنترل دولتی
هنجاری محدود	مدیریت دولتی سنتی	مجری	رای دهنده	نماینده	اعتماد	رای گیری
هنجاری محدود	مدیریت دولتی سنتی	خبره	ارباب رجوع	شایستگی بی طرفانه	کنترل	فرمانبری
هنجاری، ابزاری، جوهری محدود	مدیریت دولتی نوین	حرفه ای	مشتری	پاسخگو	پسینی	مشورتی
هنجاری، ابزاری و جوهری کامل	خدمات عمومی نوین	خدمتگذار عمومی	شهروندی	تسهیل کننده	مشارکتی	مشاورتی و تفکرانه
هنجاری، ابزاری و جوهری کامل	حکمرانی شهروندی	کارمندی	کارفرما/ مالک	فرمانبری	تعارض	کنترل شهروندی

منبع : تلفیق نظر نویسندگان با نظریه کالاها

**مشارکت شهروندی و شبکه مفهومی تعاریف**

<sup>1</sup> citizen as owner - administrator as employee

<sup>2</sup> dynamic

در بررسی ادبیات موجود، اندیشمندان تعاریف مختلفی از اصطلاح مشارکت شهروندی ارائه نموده‌اند که نشان دهنده درجه‌های ذهنی مختلف اندیشمندان به موضوع است. لذا در این بخش می‌خواهیم کلیه تعاریف موجود در حوزه مشارکت شهروندی را استخراج نموده و الگوی شبکه مفاهیم مرتبط با آن را استخراج نماییم.

جدول ۳. تحلیل کیفی تعاریف مشارکت شهروندی

ابعاد	مفاهیم	تعریف	اندیشمندان
سیاسی	توزیع قدرت	"مشارکت شهروندی توزیع قدرتی است که سبب میشود که امکان مشارکت شهروندان محروم از مزایای اقتصادی و اجتماعی در فرآیند اقتصادی و سیاسی ممکن شود و از مزایای جامعه بهره مند شوند" (چانگ <sup>۱</sup> ، ۲۰۱۱:۱۱).	آرنستین
جامعه شناسی اقتصادی	فراهم شدن مشارکت محرومان در استفاده از مزایای اقتصادی و اجتماعی		
جامعه شناسی	توانمندسازی افراد و گروه‌ها	"توانمندسازی افراد و گروه‌ها به همراه قدرت چانه زنی برای نشان دادن علائق و برنامه‌ریزی به سمت رسیدن به قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و کنترل" (لیو هنگ - چنگ <sup>۲</sup> ، ۲۰۱۱:۱۷).	شفریتز
سیاسی	کسب قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی		
فرآیند خط مشی گذاری	مشارکت عموم در دستور کار گذاری تصمیم گیری هدف: توسعه خط مشی نهادها	"مشارکت عمومی اقدامی از درگیری و مشارکت چند نفر از عموم مردم در دستور کار گذاری، تصمیم گیری، و فعالیت‌های شکل گیری خط مشی سازمانها یا نهادها به منظور توسعه خط مشی خود می‌باشد" (جین رو فریور <sup>۳</sup> ، ۲۰۰۵).	جین رو و فریور
جامعه شناسی	هرگونه فعالیت موثر بر زندگی جمعی	"هرگونه فعالیتی، توسط فرد یا اجتماع، که خط مشی زندگی جمعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد" (لیو هنگ - چنگ <sup>۵</sup> ، ۲۰۱۱:۲۰).	ماسیدو و دیگران <sup>۴</sup>
فرآیند خط مشی گذاری	مشارکت عموم در شکل گیری خط مشی تصویب خط مشی اجرای خط مشی	"مشارکت عمومی شامل مشارکت در فرآیند شکل گیری و تصویب و اجرای خط مشی‌های عمومی از طریق اقدامات شهروندی است که هدف آن تاثیر گذاری بر تصمیمات است که در اکثر موارد نمایندگان شهروندان و ماموران رسمی شرکت دارند" (پری و دیگران <sup>۶</sup> ، ۱۹۹۲).	پری و دیگران
فرآیند خط	اقدام محلی شامل برنامه ریزی و یا مدیریت	"اقدامی محلی که شامل برنامه ریزی گروه‌های سازمان دهی شده در خدمات و گاهی اوقات مدیریت اینچنین خدمات می‌باشد" (هریسون و مورت <sup>۷</sup> ،	هریسون و مورت

<sup>1</sup>chung

<sup>2</sup> liu hong-cheng

<sup>3</sup> gene rowe and frewer

<sup>4</sup> macedo et al

<sup>5</sup> liu hong-cheng

<sup>6</sup> pary et al

<sup>7</sup> harrison and mort



مشی گذاری		۱۹۹۸ .
• فرآیند خط مشی گذاری	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تاثیر ارزشها و نیازها در تصمیم گیری</li> <li>• انتخاب رهبران جامعه</li> <li>• لزوم گفتگو با مردم در تصمیم گیری ها</li> </ul>	<p>مشارکت شهروندی را اینچنین تعریف می کند: □ فرآیندی است که بوسیله آن توجهات، نیازها و ارزشهای مردمی در تصمیم گیری شرکتی<sup>۲</sup> و دولتی<sup>۳</sup> مشارکت داده می شود □ ( کاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰:۵). "همچنین او مشارکت را به عنوان فرآیند انتخاب ارزش می داند. به طوری که مردم حق دارند رهبران خود را انتخاب کنند و اجازه به آنها بدهند تا تصمیمات مهمی برای عموم اتخاذ نمایند. در واقع مشارکت بدان معنا است که تصمیم گیرندگان که بر روی زندگی مردم تاثیرگذار هستند قبل از اتخاذ تصمیم گفتگویی با مردم داشته باشند □ (چانگ، ۲۰۱۱:۱۴).</p>
• جامعه شناسی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• فعالیت و تاثیر پذیری اجتماعی</li> </ul>	<p>"وار بر اساس گرایش روانشناسی اجتماعی، مشارکت را به درگیری، فعالیت و تأثیر پذیری اجتماعی تعریف نموده است" (شرفی، ۱۳۸۸: ۲۸۳).</p>
• سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اقدام شهروندی: اعتراض ها</li> </ul>	<p>"مشارکت شهروندی شامل ۴ نوع رفتار می شود: اقدام شهروندی<sup>۷</sup> از قبیل اعتراض ها و سخنرانی و تبلیغات ها؛ درگیر ساختن شهروندی<sup>۸</sup> از قبیل دادرسی و استماع شهروندی<sup>۹</sup> و تحقیق ها و پیمایش شهروندی<sup>۱۰</sup>؛ مشارکت گزینشی<sup>۱۱</sup> از قبیل رای گیری و رقابتهای کاندیدهای سیاسی و مشارکت تعهدی<sup>۱۲</sup> از قبیل پرداخت مالیات و انجام وظایف قضاوتی. لانگتن مشارکت شهروندی را به عنوان □ اقدامی مبتکرانه و کنترل شده توسط دولت در جهت بهبود و پشتیبانی تصمیمات و برنامه ها یا خدمات □ تعریف می کند."</p>
• فرآیند خط مشی گذاری	<ul style="list-style-type: none"> <li>• استماع شهروندی</li> </ul>	
• سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مشارکت گزینشی: رای دادن</li> </ul>	
• اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تعهدات مالی: پرداخت مالیات و ..</li> </ul>	
• فرآیند خط مشی گذاری	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مشاوره</li> <li>• نظارت در اجرای تصمیم و پیامدها</li> </ul>	<p>"مشورت دادن قبل از تصمیم گیری است. به نحوی که اظهار نظر شخصی و اعمال مراقبت در جریان اجرای این تصمیم و تحول نتایج آن امکان داشته باشد" (شرفی، ۱۳۸۸: ۲۸۳).</p>
• روان شناسی جامعه	<ul style="list-style-type: none"> <li>• رشد توانایی انسانی</li> <li>• مسئول ساختن در تصمیم سازی</li> <li>• اقدام آگاهانه</li> </ul>	<p>"مشارکت را رشد توانایی های انسانی از جمله شأن و منزلت انسانی و مسئول ساختن وی در باروری نیروی تصمیم گیری و عمل به صورت سنجیده و از روی تفکر می داند" (شرفی، ۱۳۸۸: ۲۸۳).</p>

1 greithon

2 corporate

3 govermental

4 karan

5 warr

6 langton

7 citizen action

8 citizen involvement

9 public hearing

10 citizen Survey

11 electoral participation

12 obligatory participation

13 a.Peyrefitte

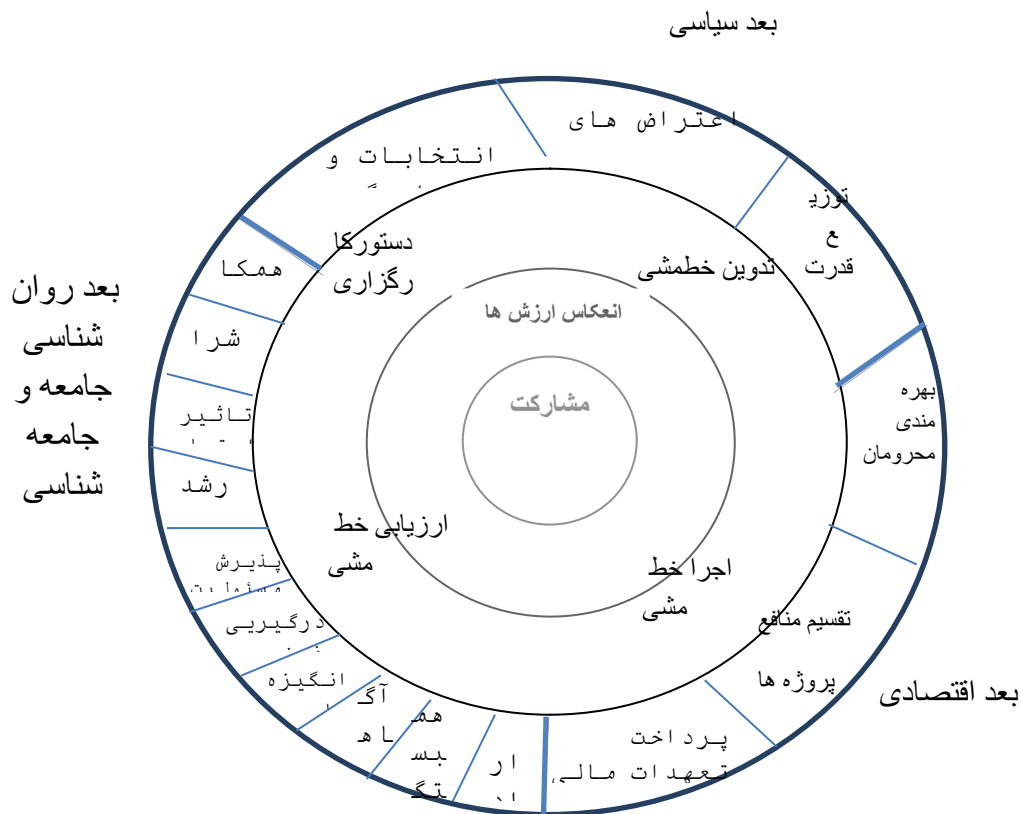
<ul style="list-style-type: none"> <li>● روان شناسی جامعه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● مداخله اجتماعی خلاق</li> </ul>	<p>"مشارکت فرآیندی از مداخله اجتماعی خلاق به وسیله افرادی که به تعیین و برآورده ساختن نیازهای خود علاقه مندند" ( خداوردی، ۱۳۸۴:۱۲) .</p>	<p>پیتز اوکلی<sup>۱</sup> و دیوید مارسدن</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● هدف مشارکت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● برآورده ساختن نیازها</li> </ul>		
<ul style="list-style-type: none"> <li>● جامعه شناسی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● سهم بودن در کار و سود بردن</li> <li>● همکاری و شرکت</li> </ul>	<p>مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت و با آن همکاری داشتن است ( خداوردی، ۱۳۸۴:۱۲) .</p>	<p>آلن بیرو</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● جامعه شناسی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● نسبت مداخله عملی به مداخله مورد نیاز</li> </ul>	<p>مشارکت به عنوان نسبت مداخله عملی به مداخله های مورد نیاز است و موثر بر فعالیت های خاص و در سطح معینی از نمایندگی برای گروه تعریف می شود ( محمدرضایی، ۱۳۸۱:۱۸۵) .</p>	<p>کورت دپفر<sup>۲</sup></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● روان شناسی جامعه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● شرکت داوطلبانه</li> </ul>	<p>مشارکت را شرکت داوطلبانه مردم در یک یا چند برنامه عمومی که فرض می شود در توسعه ملی نقش دارند، تعریف می کند.</p>	<p>کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● هدف مشارکت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● توسعه ملی</li> </ul>		
<ul style="list-style-type: none"> <li>● روان شناسی جامعه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● درگیری ذهنی و عاطفی: مشارکت فقط به کوشش بدنی محدود نمی شود، بلکه شامل درگیری ذهنی و عاطفی است.</li> <li>● انگیزش برای یاری دادن دیگران: مشارکت، مردم را به یاری دادن دیگران بر می انگیزد.</li> <li>● پذیرش مسئولیت: مشارکت، مردم را بر می انگیزد تا مسئولیت بپذیرند.</li> </ul>	<p>محمد علی طوسی از قول کیت دیویس می نویسد: «مشارکت عبارت است از درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گوناگون، به گونه ای که آنان را بر می انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی دیگران را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (طوسی، ۱۳۷۲) .</p>	<p>کیت دیویس</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● هدف مشارکت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● سهم افراد و گروه ها در تسریع وضعیت اقتصادی و اجتماعی</li> </ul>	<p>مشارکت را سهم افراد یا گروه های سازمان یافته یک جمعیت فعال در تسریع اقتصادی و اجتماعی بیان می نماید ( محمدرضایی، ۱۳۸۱:۱۸۵) .</p>	<p>سازمان بین المللی کار (I.L.O)</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● فرآیند خط مشی گذاری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● مشارکت در فرآیند حل مسئله</li> <li>● تصمیم گیری</li> </ul>	<p>مشارکت هرگونه فرآیندی است که عموم در مرحله حل مسئله یا تصمیم گیری مشارکت دارند و {به عبارت دیگر} از ورودی عموم برای تصمیم گیری بهتر استفاده می شود ( انجمن بین المللی مشارکت عمومی، ۲۰۰۶) .</p>	<p>انجمن بین المللی مشارکت عمومی</p>

1 oakley

2 Kart dopfer

خط مشی گذاری	<ul style="list-style-type: none"> <li>مشارکت در فرآیند تصمیم گیری</li> <li>اجرا</li> <li>ارزشیابی</li> </ul>	<p>"آبهوف و کوهن بیش از هر چیز به دخالت مردم در فرآیند تصمیم گیری تأکید دارند و معتقدند «مشارکت یعنی شرکت افراد در تصمیم گیری، اجرا، ارزشیابی و تقسیم منافع حاصل از یک پروژه». اهمیت این تعریف به گونه ای است که آن را به عنوان یک تعریف استاندارد نام می‌برند و امروزه در غالب منابع به آن استناد می‌کنند" (ردویی، ۱۳۸۸: ۳۵۳).</p>	آبهوف و کوهن (۱۹۷۶)
اقتصادی	تقسیم منافع	فرآیندی است که از طریق آن نیازها، انتظارات، نظرات و ارزش های عمومی در خط مشی ها، تصمیمات دولتمردان و سیاستگذاران انعکاس پیدا می کند و به صورت های مختلف و به درجات گوناگون امکان وجود دارد. (الوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲).	الوانی و همکاران
فرآیند خط مشی گذاری	<ul style="list-style-type: none"> <li>انعکاس ارزشها و نیازهای عموم در تصمیمات</li> </ul>	"مشارکت عبارت است از ایجاد نوعی احساس همبستگی و تعلق و تلاش میان افراد یک جامعه به منظور نیل به یک نظام و سیستم عادلانه‌ی و متوازن اجتماعی" (رستگاری، برخورداری، ۱۳۸۸).	رستگاری
روان شناسی جامعه	<ul style="list-style-type: none"> <li>احساس همبستگی و تعلق میان مردم</li> </ul>	"مشارکت به معنای شرکت آگاهانه و ارادی مردم در فرآیند تصمیم گیری در سطوح و امور مختلف می‌باشد. بطور کلی مشارکت نه تنها همبستگی و یگانگی افراد، گروههای اجتماعی و جامعه را تقویت می‌کند، بلکه از دیدگاه توسعه اجتماعی، قابلیت و کارکردهای نظام سیاسی و اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد" (رحیمی، ۱۳۸۸: ۳۳).	رحیمی
روان شناسی جامعه	<ul style="list-style-type: none"> <li>شرکت آگاهانه</li> <li>شرکت ارادی</li> <li>همبستگی میان افراد</li> </ul>	"مشارکت تقبل آگاهانه بخشی از امور در شکل تعاون و همکاری با میل و رغبت و به قصد بهبود زندگی اجتماعی در جامعه است" (معطوف، ۱۳۸۳: ۱۳۶).	معطوف
هدف اجتماعی مشارکت	بهبود زندگی اجتماعی		

همانطور که ملاحظه می‌شود، تعاریف مشارکت شهروندی از زوایا و رویکردهای مختلفی تدوین شده است. اما در مجموع تعاریف فوق الذکر اهداف مشارکت را شامل مواردی همچون برآورده ساختن نیازها، رسیدن به زندگی عادلانه، بهبود زندگی اجتماعی اقتصادی و نهایتاً توزیع قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌داند. اما در یک نگاه جامع و یکپارچه الگوی شبکه مفاهیم تعاریف مشارکت شهروندی را می‌توان در نمودار زیر مشاهده نمود.



نمودار ۱. الگوی شبکه مفاهیم مشارکت شهروندی در تئوری ها

این مدل نشان می‌دهد که مفهوم کلیدی مشارکت در لایه نخست انعکاس ارزش های عمومی در اداره عمومی است و این انعکاس در لایه دوم یعنی فرآیند خط‌مشی‌گذاری که عبارتند از دستور کار‌گذاری، تعیین خط‌مشی، اجرا و ارزیابی می‌باشد، خودش را نشان می‌دهد. لایه سوم نیز نشان دهنده ابعاد این خط‌مشی‌گذاری است که هر یک دارای مولفه‌های و ویژگی‌هایی هستند که در تئوری و تعاریف ذکر شده‌اند.

### مدل های مشارکت شهروندی

مدل های مختلفی در مورد مشارکت شهروندی از منظر صاحب نظران وجود دارند که روابط بین شهروندان و مقامات رسمی دولتی را ترسیم می‌کند. همه این مدل ها به مردم کمک می‌کنند تا فرآیند مشارکت عمومی و چگونگی تعامل بین مردم و مقامات را بهتر بشناسند (لیو هنگ چنگ، ۲۰۱۱). در ادامه ابتدا به شرح مختصری از مدل‌های مطرح شده در ادبیات نظری اشاره می‌شود. سپس تحلیل مختصری از مقایسه آنها با یکدیگر ارائه می‌گردد.

## مدل نردبان مشارکت آرنستین

در ادبیات نظری اولین مدل و مرجع ترین مدل، مدل نردبان مشارکت<sup>1</sup> شری آرنستین<sup>2</sup> (۱۹۶۹) می باشد. "مدل آرنستین درجات توانمندی شهروندان را مطابق با سطوح سلسه مراتبی مشارکت توصیف می کند"<sup>3</sup> (مورین و برنر<sup>3</sup>، ۲۰۱۱:۱۳۱). او مشارکت را در سه نوع و سلسه، مشارکت حداکثری، مشارکت حداقلی و عدم مشارکت طبقه بندی می کند؛ و برای هر یک از آن ها انواعی را ذکر می کند (استوت<sup>4</sup>، ۲۰۱۱؛ پیرس<sup>5</sup>، ۲۰۱۱).

کنترل شهروندی<sup>6</sup>

در این سطح مردم، مستقل از نهادهای بیرونی قدرتی در اختیار دارند که می توانند تصمیم گیری کنند و کنترل برنامه ها را در دست داشته باشند. البته کنترل نسبت به چگونگی مصارف منابع (توسط دولت) باقی می ماند. به عبارت دیگر به شهروندان در این سطح به صورت خودحکومتی عمل می نمایند.

قدرت تفویض شده<sup>7</sup>

در این سطح دولت خود فرآیند تصمیم گیری را اجرا می کند و بروی آن سرمایه گذاری می کند اما به جامعه و مردم برخی اختیاراتی تفویض می شود که تصمیم گیری نمایند.

شراکت<sup>8</sup>

در این سطح مردم تاثیر چشمگیری بروی فرآیند تصمیم گیری دارند اما دولت هنوز مسئولیت تصمیمات را بعهده دارد. در این حالت مردم گروه هایی را تشکیل می دهند که برخی از اهداف پروژه را تحقق ببخشند. در سه سطح بعدی، مشارکت حداقلی است. مردم معمولاً در یک جریان یک طرفه مطلع می شوند و می توانند صحبت کنند اما نظراتشان نیز به صورت معنی دار مورد توجه قرار نمی گیرد (چانگک، ۲۰۱۱).

تسکین<sup>9</sup>

از مردم می خواهند که مشارکت مشورتی داشته باشند و ممکن است با استفاده از نظرات مردم تغییراتی جزئی صورت پذیرد که بگویند نظرات مردم اعمال شده است.

مشاوره<sup>10</sup>

به جامعه در مورد پروژه ها موضوعات اطلاعات داده می شود و از آن ها خواسته می شود که نظراتشان از طریق ملاقات های حضوری یا روش دیگر اعلام کنند. اما نظراتشان ممکن است انعکاسی در تصمیم گیری نهایی نداشته باشد و ممکن است دولت بازخورد دهد که چرا نظرات آن ها مورد توجه قرار نگرفته است.

آگاهی بخشی<sup>11</sup>


---

<sup>1</sup> ladder of participation

<sup>2</sup> sherry Arnstein

<sup>3</sup> Maureen m.berner and et al

<sup>4</sup> stout

<sup>5</sup> pierce

<sup>6</sup> Citizen control

<sup>7</sup> delegated power

<sup>8</sup> partnership

<sup>9</sup> placation

<sup>10</sup> consultation

<sup>11</sup> informing

جامعه در مورد پروژه و تصمیمات اطلاعات داده می شود و ممکن است مردم مورد سوال قرار بگیرند اما نظراتشان به هیچ عنوان مورد توجه قرار نمی گیرد.

دو مشارکت آخر در حقیقت مشارکت واقعی نیستند و جایگزینی برای مشارکت واقعی محسوب می شوند (چانگ، ۲۰۱۱).

### 1 درمان

در این سطح جامعه در تصمیماتی که گرفته شده است و اتفاقاتی که قرار است بیافتد مشارکت می کنند و این اطلاع رسانی یک طرفه است و هیچ عنوان به سخنان و پاسخ های مردم گوش نمی دهند.

### 2 ساختگی

مشارکت امری ساختگی و غیرواقعی و نمادین است به عنوان مثال نمایندگان مردم به صورت نمادین در جلسات رسمی شرکت می کنند اما هیچ قدرتی ندارند.

## مدل پرتی

پرتی نیز همانند مدل های موجود، در سال ۱۹۹۵ به ۷ نوع مشارکت اشاره کرد که شرح مختصر آن در جدول زیر موجود می باشد (بولی-اگایی<sup>3</sup>، ۲۰۰۹).

جدول ۴. گونه شناسی مشارکت پرتی

نوع مشارکت	شرح
مشارکت انفعالی <sup>4</sup>	در این حالت تنها به مردم اطلاع رسانی غیرشفاهی می شود و دولتمردان هیچ پاسخی به درخواست های مردم نمی دهند.
مشارکت در دادن اطلاعات	در این سطح مردم در مقام پاسخ دهی به سوالاتی بر می آیند که توسط محققین و دولتمردان مطرح می شود.
مشارکت از طریق مشاوره	در این حالت آژانس ها مسائل و راه حل را مشخص میکنند و در مقابل از مردم درخواست میشود که مشاوره بدهند. البته مردم در این چنین فرآیندی هیچ سهمی در تصمیم گیری ندارند و حرفه ها هیچ تعهد ندارند که نقطه نظرات را در تصمیم گیری ها تاثیر بدهند.
مشارکت برای انگیزه های مادی	مردم بواسطه انگیزه های مادی همچون کار، غذا، پول و دیگر انگیزاننده های مادی مشارکت دارند. در چنین فرآیندی هیچ اشتراکی در تصمیم گیری دیده نمی شود و متخصصان هیچ اجباری برای پذیرش عقاید مردم ندارند.
مشارکت کارکردی <sup>5</sup>	این نوع مشارکت به عنوان فرآیند دستیابی به هدفها و کاهش هزینه ها شناخته شده است. در این سطح مردم با شکل گیری گروهی برای دستیابی به اهداف از قبل تعیین شده، شرکت می کنند.
مشارکت تعاملی	در این نوع مشارکت، فعالیت های مشارکت جوانه مردم موجب گسترش الگوهای کنش و اطلاعات می شود. در این مدل، مشارکت برای افراد جامعه یک حق تلقی می شود. در این مشارکت مردم در تجزیه و تحلیل مشارکت می کنند که منجر به برنامه های اقدامی و شکل دهی نهادهای محلی جدید یا تقویت نهادهای موجود می شود.

1 therapy  
2 manipulation  
3 kwame boalye-agyei  
4 Passive participation  
5 Functional participation

خود مشارکتی <sup>1</sup>	در این شیوه، مردم به صورت خود ابتکاری و جمعی وارد عمل می‌شوند. در این نوع مشارکت مردم بدون وابستگی به موسسات بیرونی در فعالیتهای عمل می‌کنند. اما کنترل بر منابع مورد استفاده آنها وجود دارد.
--------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

## مدل تصمیم‌گیری مشارکتی توماس<sup>2</sup>

جان کلایتون توماس (۱۹۹۵) نیز یک گونه‌شناسی از مشارکت با رویکرد دولتی ارائه نموده است. او پنج رویکرد تصمیم‌گیری را به موازات مدل نردبان مشارکت ارنستین توصیف می‌کند که مدیران دولتی می‌توانند اتخاذ کنند:

### تصمیم عمومی<sup>3</sup>

در این سطح مدیران مسائل را با جمعی از مردم تسهیم می‌کنند و تلاش می‌کنند که به یک راه‌حل مورد قبول یکدیگر برسند.

### مشاوره عمومی واحد<sup>4</sup>

مدیران، مسائل را با یک جمع واحدی از مردم در میان می‌گذارند و از آنها ایده‌ها و پیشنهادات می‌گیرند و سپس تصمیماتی می‌گیرند که منعکس‌کننده تاثیر و ترجیحات آنهاست. این رویکرد نیازمند این امر است که همه اعضا فرصت برای مشارکت داشته باشند.

### مشاوره عمومی مجزا<sup>5</sup>

مدیران مسائل را با گروه‌های مجزایی از مردم در میان می‌گذارد و سپس از آنها ایده و پیشنهاداتی دریافت می‌کنند و سپس تصمیمی می‌گیرند که ترجیحات گروه را انعکاس می‌دهد.

### تصمیم مدیریتی مستقل اصلاح شده<sup>6</sup>

مدیران بدنبال اطلاعاتی از بخش‌هایی از مردم هستند اما مستقل تصمیم می‌گیرند حال ممکن است موافق یا مخالف ترجیحات باشد. سپس مدیران مشاوره‌هایی از گروه منتخبی از مردم که با تصمیم اخذ شده موافق هستند می‌گیرند تا تصمیمات اصلاح گردند.

### تصمیم مدیریتی مستقل<sup>7</sup>

در این سطح مدیران خود مسائل را بررسی می‌کنند و سپس تصمیمی بدون هیچ گونه مشارکتی اخذ می‌کنند.

## مدل ماری تیمنی<sup>8</sup>

<sup>1</sup> self mobilization

<sup>2</sup> John clayton Thomas

<sup>3</sup> public decision

<sup>4</sup> unitary public consultation

<sup>5</sup> Segmented public consultation

<sup>6</sup> modified autonomous managerial decision

<sup>7</sup> autonomous managerial decision

<sup>8</sup> Timney

فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی  
سال دوم- شماره اول-فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی (۱ - ۲۳)

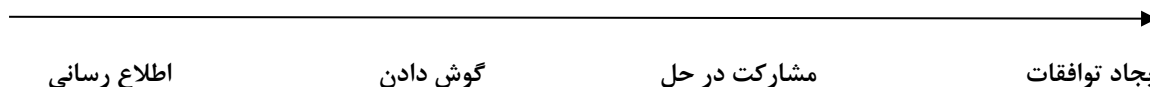
ماری تیمنی نیز سه مدل از مشارکت شهروندی مشتمل بر فعال<sup>1</sup>، پسیبی<sup>2</sup> و گذار<sup>3</sup> ارائه نموده است. او اشاره می کند که "تنها با رها کردن کنترل بالا به پایین و بردن چرخش قدرت به سمت شهروندان سازمانها می توانند به یک تصمیم اثربخش برسند" (تیمنی، ۱۹۹۸: ۱۲۱).

**جدول ۵. مدل های مشارکت ماری تیمنی**

مدل های مشارکت		
فعال	گذار	پسیبی
"دولت از طریق مردم" <sup>6</sup>	□ دولت برای مردم <sup>5</sup>	□ دولت با مردم <sup>4</sup>
کنترل شهروندی	کنترل تسهیم شده	کنترل سازمانی
شهروندان پارامترها را مشخص می کنند	آژانس ها پارامترها را مشخص می کنند	آژانس ها پارامترها را مشخص می کنند
فرآیند باز و بیش فعال است	فرآیند باز است	فرآیند بسته است
تصمیمات اجماعی و مبتنی بر اکثریت آرا <sup>6</sup> است	تصمیمات اجماعی و مبتنی بر اکثریت آرا <sup>5</sup> است	تصمیمات توسط سازمانها گرفته می شود
شهروندان نقش حاکمیتی دارند	شهروندان نقش مشاورتی دارند	شهروندان نسبت به پیشنهادات واکنش مثبت نشان می دهند
شهروندان خط مشی را تدوین می کنند	دولتمردان خط مشی را تدوین میکنند	دولتمردان خط مشی را تدوین میکنند
سازمانهای به عنوان مشاور اقدام فعالیت می کنند	سازمانها به عنوان یکی از ستاد و مشارکت کنندگان عمل میکنند	تنها سازمان ها شرکت دارند
شهروندان مالکیت فرآیند را برعهده دارند	مشارکت به عنوان هدف فرآیند در نظر گرفته می شود	مشارکت به عنوان یک تشریفات در نظر گرفته می شود
شهروندان در آغاز فرآیند ورود پیدا می کنند	شهروندان در اواسط فرآیند ورود پیدا می کنند	شهروندان در انتها فرآیند ورود پیدا می کنند

**مدل گریتون**

گریتون (۲۰۰۵) مشارکت را پیوستاری مشتمل بر چهار مرحله: اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به مردم، گوش دادن به مردم، مشارکت در حل مسئله و ایجاد توافقات<sup>7</sup> میدانند.



- 1 active
- 2 passive
- 3 transitional
- 4 government with the people
- 5 government for the people
- 6 government by the people
- 7 develop agreements



نمودار ۲. پیوستار مشارکت گریتون

مدل او چنین است که □ در سطح اول یکسری اطلاعات یک طرفه از طرف دولت ارائه می شود که هیچ کمکی به فرآیند مشارکت نمی کند. در سطح دوم به نظرات مردم گوش داده می شود. همچنین در سطح دیگر دولت به دنبال اجماع و حل مسائل به صورت مشارکت با بسیاری از مردم می باشد. در این سطح ممکن است به توافق برسند یا نرسند، اما مردم در تعریف مسئله، ارائه گزینه های مختلف، ارزیابی معیار و تصمیم گیری نهایی تاثیر گذار هستند. بالاخره در سطح آخر رسیدن به توافق مشارکت کنندگان و رسیدن به اجماع برای اجرای تصمیمات سازمان ها بسیار سودمند است. در سطح توافقات سازمانها به اطمینان و اقتدار برای اجرای تصمیمات اجماعی می رسند" (چانگ، ۲۰۱۱: ۱۳).

مدل سوزان ویت و الن نولت

گونه شناسی که سوزان ویت ارائه می کند در جدول زیر ارائه شده است (کاران، ۲۰۱۰):

جدول ۶. گونه شناسی مشارکت سوزان ویت و الن نولت

درجه کنترل	اقدام مشارکت کننده	تشریح
زیاد	کنترل دارد	سازمانها از جامعه درخواست می کنند که مسائل خود را مشخص نمایند و تصمیمات کلیدی در خصوص هدف و وسیله انجام بدهند. سازمانها به مردم کمک می کنند که به اهداف هر مرحله دست پیدا نمایند
	کنترل تفویض شده دارد	سازمانها مسائل را مشخص و به جامعه معرفی می کنند. سپس محدودیتها را معرفی کرده و از مردم درخواست می کنند که یکسری تصمیماتی در میان برنامه های مورد توافق اخذ نمایند.
	برنامه ریزی مشترک	در این حالت سازمانها یک برنامه ی اولیه ای به منظور تغییر نشان می دهند و آن را برای کسانی که از آن تاثیر می پذیرند، ارائه می دهند و تا در صورت لزوم تغییر یابد. در این حالت تغییر حداقل آروم و تدریجی خواهد بود.
	توصیه کردن به سازمانها	سازمان برنامه ای را تدوین می کند و دعوت به پاسخ دهی به سوالاتش می کند. در این حالت سازمان آمادگی اصلاح برنامه در صورت ضروری بودن را دارد.
	مورد مشورت قرار می گیرد	سازمانها برنامه ای را تدوین کرده و بدنبال ایجاد حمایت برای تسهیل پذیرش از برنامه ها هستند
	اطلاعات دریافت می کند	سازمانها برنامه ای را تدوین و آن را به اطلاع مردم می رسانند.
کم	هیچ کدام	جامعه مورد مشارکت قرار نمی گیرند

### مدل انجمن بین المللی مشارکت عمومی<sup>۱</sup>

انجمن بین المللی مشارکت عمومی، مشارکت را در ۵ دسته اطلاع دادن، مشاوره، مشارکت، همکاری و توانمندی طبقه بندی نموده است که شرح مختصر آن در جدول زیر نشان داده شده است (انجمن بین المللی مشارکت عمومی، ۲۰۱۰).

جدول ۷. گونه شناسی مشارکت توسط انجمن بین المللی مشارکت عمومی

نوع مشارکت	آگاهی بخشی <sup>۲</sup>	مشاوره <sup>۳</sup>	مشارکت <sup>۴</sup>	همکاری <sup>۵</sup>	توانمندی <sup>۶</sup>
اهداف	اطلاع دادن از مسئله - گزینه ها - فرصتها و راه حل ها	ارائه باخورد در تحلیل گزینه ها و تصمیمات	کار کردن مستقیم با مردم در فرایندها به جهت اطلاع یافتن از درک و ملاحظات مردم	مشارکت با مردم در هر جنبه تصمیم گیری شامل توسعه گزینه ها و مشخص ساختن راه حل های مد نظر	دادن اختیار نهایی تصمیم گیری به دست شهروندان

### تحلیل و مقایسه مدل های مشارکت

مدلهای مختلفی در بخش گذشته مورد بررسی قرار گرفت اما تحلیل اجمالی بر آنها به نظر ضروری می سد. نکته اول آن است که اکثر مدلها در یک دوگان شهروند - دولت قرار گرفته اند و ملاک این دوگان گاهی اوقات بروی تصمیم گیری و فرآیند آن قرار دارد و گاهی نیز بر مبنای کنترل و نظارت قرار دارد. به عبارت دیگر در اکثریت مدلها بحث این است چه میزان تصمیم گیری بین دولت و شهروند تقسیم می شود. بنابراین اکثریت مدلها در واقع بر مبنای این دوگان به طراحی یک مدل پیوستاری با مقسم های مختلف، اقدام نمودند. به طوری که در یک سر شهروندان تصمیم گیر نهایی هستند و سر دیگر طیف که شهروندان هیچ قدرت تصمیم گیری ندارند. باتوجه به این پوستار می توان مقایسه ای بین آنها با یکدیگر طراحی نمود که در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۸. مقایسه مدل های مشارکت با یکدیگر

سطح توانمندسازی شهروندان	ماری تیمنی	توماس	گریتون	پیوستار مشارکت انجمن	سوزان و نولت	پرتی	نردبان مشارکت ارنستین
بالاترین	کنترل شهروندی	تصمیم عمومی	ایجاد توافقات	توانمندسازی	کنترل دارد	خود مشارکتی	قدرت شهروندی: • کنترل شهروندی
				همکاری	کنترل تفویض شده	تعاملی	قدرت شهروندی: • قدرت تفویض

			مشارکت در حل مسئله	مشارکت	برنامه ریزی مشترک	<ul style="list-style-type: none"> <li>کارکردی</li> <li>مشارکت برای انگیزه مادی</li> </ul>	<p>قدرت شهروندی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>مشارکت</li> </ul>
متوسط	کنترل تسهیم شده	مشاوره عمومی واحد و مجزا و تصمیم گیری مستقل اصلاح شده	گوش دادن	مشورت	<ul style="list-style-type: none"> <li>توصیه کردن به سازمان</li> <li>مورد مشورت قرار گرفتن</li> </ul>	مشاوره	<p>حداقلی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>مشاوره</li> <li>درمان</li> </ul>
پایین ترین	کنترل سازمانی	تصمیم گیری مستقل	اطلاع رسانی	اطلاع رسانی	هیچ کدام از موارد بالا	<ul style="list-style-type: none"> <li>مشارکت از طریق اطلاع رسانی</li> <li>مشارکت انفعالی</li> </ul>	<p>حداقلی:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>آگاهی بخشی</li> <li>عدم مشارکت: ساختگی</li> <li>درمان</li> </ul>

نکته دیگر این است که اکثر مدل‌ها درصدد توصیف وضعیت موجود نبوده و یک رویکرد هنجاری را دنبال نکردند و با یک رویکرد بی طرفانه درصدد تعریف کلیه حالت‌های ممکن برای مشارکت شهروندی هستند. در حقیقت این مدل‌ها، چارچوبی را در اختیار تصمیم‌سازان حوزه مدیریت دولتی کشورها قرار می‌دهند که بستگی به شرایط و موضوع مشارکت نوع مشارکت خود را انتخاب نمایند. بنابراین همه این مدل‌ها یکسری مدل‌های نظری- مفهومی هستند که فرآیند تصمیم‌سازی را برای دولتمردان کشور تسهیل میکنند. همچنین بر مبنای نوع عقلانیت‌های مشارکت شهروندی همچون هنجاری، ابزاری و جوهری میتوان به بررسی مدل‌های مشارکت پرداخت. در عقلانیت هنجاری بحث این بود که مشارکت حق شهروندان است. در بررسی این عقلانیت اگرچه، اکثریت مدل‌ها پیوستاری از حالت‌های ممکن از مشارکت شهروندی را تبیین کردند و رویکرد بی طرفانه را دنبال نمودند اما شاید بتوان در ضمایر این مدل‌ها به این عقلانیت پی برد بدین صورت که در حقیقت اندیشمندان نوعی جهت دهی و هدایت تصمیم‌گیران را در این امر مورد توجه قرار داده و به نوعی حرکت به سمت بالاترین سطح مشارکت را ممدوح دانسته‌اند. همچنین نشان‌های زیادی از عقلانیت ابزاری و جوهری در گونه‌های مشارکت این مدل‌ها دیده می‌شود که شهروندان می‌توانند یا صرفاً ابزاری برای اجرا خط‌مشی‌های اخذ شده باشند

<sup>1</sup> International association public participation (IAP2)

<sup>2</sup> inform

<sup>3</sup> consult

<sup>4</sup> engage

<sup>5</sup> collaborate

<sup>6</sup> empower

یا اینکه در بهترین حالت به صورت خودحکومتی اقدام نمایند. اما در مجموع بدلیل اینکه گونه‌های مختلفی از مشارکت احصا شده است، نمی‌توان مشخص نمود که هر کدام از مدلها از کدام عقلانیت تبعیت می‌کنند.

## بحث و نتیجه گیری

موضوع مشارکت شهروندی از جمله موضوعات جدید و نویی می باشد که اهمیت آن نیز در فراوانی کتب، مقالات و تئوری‌هایی تا به امروز ایجاد شده، مشخص و نمایان است. به عبارت دیگر نقش شهروندان را در اداره عمومی کشورها نمی‌توان نادیده گرفت چرا الگوی توسعه هر کشور بدون دخالت شهروندان هر جامعه امکان پذیر نخواهد بود. با توجه به اهمیت موضوع نگارندگان در یک بررسی تحلیلی در ادبیات نظری، موضوع "مشارکت" را در سه محور مبانی مشارکت در بستر شبه پارادایم‌ها، تئوری‌های موجود و نهایتاً مدل‌های شکل گرفته مورد تفقه و تحلیل عمیق قرار دادند و در هر یک از محورهای تحلیل‌هایی تعاملی و مقایسه‌ای ارائه کردند. در مجموع می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد که اولاً، مشارکت شهروندی در گستره بین شبه پارادایم خدمات عمومی نوین و حکمرانی شهروندی قرار دارد و در حقیقت امر به معنای انعکاس ارزشها و نیازهای عمومی شهروندان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری در ابعاد مختلف نظام‌های اجتماعی است. ثانیاً مدل‌های مشارکت برمبنای دوگان شهروند - دولت شکل گرفته‌اند به طوری که در یک سر طیف شهروندان تصمیم‌گیر نهایی هستند و سر دیگر طیف شهروندان هیچ قدرت تصمیم‌گیری ندارند و براین مبنا بین آنها حالات و درجات مختلفی از میزان توانمندی و قدرت تصمیم‌گیری شهروندان ایجاد شده است که در ادامه به مقایسه تطبیقی آنها پرداخته شد. در نهایت آنچه تکامل یافته‌های تحقیق را بدنبال دارد، بررسی و تحقیق این مسائل و موضوعات هستند که؛ شرایط و زمینه‌های ممکن برای هر یک از گونه‌های مشارکت چیستند؟ به عبارت دیگر هر یک از گونه‌ها در چه شرایطی می‌بایست اتخاذ گردند؟ همچنین هر یک از گونه‌ها در چه نظامی (اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی) بیشترین کاربرد و تناسب را خواهند داشت؟ بی‌شک پاسخ به این سوالات یک الگوی تصمیم‌گیری جامع برای مسئولین کشور طراحی خواهد کرد.

## فهرست منابع

- الوانی، سید مهدی و همکاران، (۱۳۸۹). "مبانی مدیریت در نظارت همگانی"، مجموعه مقالات همایش نظارت همگانی، تهران: مرکز نظارت همگانی شهرداری تهران.
- وارث، حامد، (۱۳۸۰). "نگرش فراباردایمی به مدیریت دولتی"، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۵۵، صص ۵۷-۵۸.
- هیوز، آون، (۱۳۷۷). مدیریت دولتی نوین، سیدمهدی الوانی و خلیل شورینی، تهران: انتشارات مروارید، صص ۷۰-۸۰

Agyei kwame boakye.(2009)."Fostering civic engagement: stakeholder participation in rural project in ghana", a dissertation submitted in partial fulfillment of the requirement for the degree of doctor of philosophy at George mason university.

Arnstein, Sherry.(1969)." A ladder of citizen participation", **Journal of the American Institute of Planners** , Vol. ۳۰, No. ۴, pp.24-۲16.

Berner, Maurenm and Amos, justin m and Morse, ricardos.(2011)." What constitutes effective citizen participation in local government? View from city stakeholders", **Journal of Paq spring**.

Chung, So Yoon .(2011). "Fostering citizen participation though innovative mechanisms in governance,- policy,and decision making:comparing washington, dc And seoul", a dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of philosophy, Arizona state university.

Davis karan.(2010). "Exploring level of public participation in in planning: a case study approach", a thesis in department of geography in graduate school of university of Alabama.

Gaynor, tia sheree.(2011). " Stakeholder perception on the role of community development corporation and resident participation" , a Dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy graduate program in public administration, Graduate School – Newark Rutgers, The State university of New Jersey.

Holmes, Maja hussar.(2011)." Ttranslation goals to practice: an analysis of u.s army corps of engineers public participation practice", **Journal of Public administration and Management**, Vol. 15 No. 1, pp. 177 – 220.

Hughes, Mark.(2011). "The challenges of informed citizen participation in change", **Journal of Transforming Government: people, process and policy**, Vol. 5 No. 1, pp. 68 – 80.

Kathe,Callahan.(2006)."Elements of effective governance: measurements, accountability and participation", **Taylor and Francis**.

Liu,Hong-Cheng. (2011)."Organizational accountability in emergency management: examining typhoon morakot from citizens perspective", a dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of public administration, college of Business and Public Management department of Public and Health Administration.

Mettle Suzanne.(2002)."Bringing the state back in to civic engagement", **the American political science review**, pg.351.

Pierce, EileenL.(2011)." Citizen informed performance measurement and reporting in local governant: key factors for effective democratic governance",a dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy, Faculty of The Graduate College School of Public Affairs and Administration, Western Michigan university kalamazoo, michigan.

Row , gene and Lynn j. frewer. (2005).”A Typology of public engagement mechanisms”. **Science, technology and human values**, 30(2): 251- 90.

Stout, Margaret . (2011). “ Climbing the ladder of participation: establishing local policies for participatory practice”, **Journal of Public Administration and Management**, Vol. 15 No. 1, pp. 46 – 97.

Thomas ,J.C.(1995). “Public participation in public decision”, **Jossey-bass: san Francisco**.

Wait Suzanne and Nolte ellen. (2006), “Public involvement policies health: exploring conceptual basis”, **Health Economics, policy and law**, p. 149-162.

<https://www.IAP2.org>

Qualitative analysis of the citizen participation theories in public administration

<sup>1</sup>Mehdi alvani

<sup>2</sup>Reza vaezi

<sup>3</sup>Hadi khanmohammadi

## Abstract

Science of public administration is classified to four quasi-paradigms based on a conventional Typology and the process of evolution: the spoil system, traditional public administration, new public administration and new public service. Nevertheless scholars in recent decade along with new public service quasi-paradigm, mentioned the other new quasi- paradigm called “citizen governance”. In other words, “citizenship governance” is another model of government that reflects the values of quasi- paradigm of new public services. However, the concept of citizenship and citizenship participation in government in the two recent quasi-paradigms took strengths and detailed conceptual coherence, so that brought Definitions and different patterns of participation in last 50 years. It seems that the concept of “citizen participation” took its new concept in “quasi-paradigm new public services” and reached to Conceptual and theoretical maturity in the “quasi-paradigm citizen governance”. In this paper we review and analyze citizen participation in three dimensions. At first we focus on the basics of citizen participation in quasi-paradigms and its rationalities. Second we focus on available Definitions of citizen participation to know these definitions refer to what kind of concept networks. At last we focus on compering participation models, understanding the logic, and determining the criteria for typology of them.

**Keywords:** participation, citizen, public participation, citizen participation, citizen governance

---

<sup>1</sup> Professor, public administration, faculty of management, Allameh Tabataba'i University, Tehran , Iran.

<sup>2</sup> Assistant Professor, public administration, faculty of management, Allameh Tabataba'i University, Tehran , Iran.

<sup>3</sup> Phd student public administration, faculty of management, Allameh Tabataba'i University, Tehran , Iran, h.khanmohammadi110@gmail.com, phone No: ۰۹۱۲۷۹۷۱۳۱۰